



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ اعظم انصاری (ره) فرمودند: « ثُمَّ إِنَّ هُنَا قِسْمًا رَابِعًا ، وَهُوَ مَا لَوْ خَرَجَ الْمَضْمُونُ عَنِ الْمَلَكِيَّةِ مَعَ بَقَاءِ حَقِّ الْأَوْلِيَّةِ فِيهِ ، كَمَا لَوْ صَارَ الْخَلِّ الْمَغْضُوبِ خَمْرًا » ، در اینجا مسلماً ضمان وجود دارد زیرا وقتی سرکه بوده مالیت و ملکیت داشته لذا علی البید ما أخذت شامل آن می شود بنابراین شکی نیست که شخص آخذ ، ضامن قیمت آن می باشد و تا اینجا بحثی وجود ندارد .

بحث مهم در وجوب رد آن می باشد که شیخ انصاری در این رابطه فرموده: « فاستشكل في القواعد وجوب ردّها مع القيمة ؛ و لعلّه من استصحاب وجوب ردّها ، و من أنّ الموضوع في المستصحب ملك المالك ؛ إذ لم يجب إلّا ردّه و لم يكن المالك إلّا أولى به . إلّا أن يقال : إنّ الموضوع في الاستصحاب عرفي ، و لذا كان الوجوب مذهب جماعة ، منهم الشهيدان و المحقق الثانی ، و يؤیّده أنّه لو عاد خلا ردّت إلى المالك بلا خلاف ظاهر » .

شکی نیست که در استصحاب ، بقاء موضوع معتبر می باشد منتهی این بحث پیش آمده که آیا موضوع را باید از عرف گرفت یا از دلیل و یا از عقل ؟ شیخ انصاری (ره)

می فرماید موضوع را باید از عرف بگیریم که این حرف درست می باشد .

دیروز عرض کردیم که صاحب جواهر نیز در ص ۱۹۹ از جلد ۳۷ در کتاب الغصب فرموده اجماع داریم بر اینکه هم ردّش واجب است و هم باید قیمتش را بدهد و همچنین شیخ طوسی در خلاف نیز سه قول از عامه نقل کردند و بعد خودشان تفصیلی قائل شدند و فرمودند اگر المتخذ للتخیل باشد یعنی نگهداری برای درست کردن سرکه ، در اینصورت احترام دارد و ردّش واجب است و باید قیمتش پرداخت شود .

استاد بزرگوار ما آیت الله طباطبائی در تفسیر المیزان یک بحث بسیار خوبی درباره شراب دارند ، ایشان می فرمایند اسلام نه تنها در احکام بلکه در اعمالی که باید انجام بشود همیشه همه چیز را با تدریج و تدرّج بیان می کند و پیش می رود مثلاً پیغمبر (ص) برای امر به جهاد ابتدا مفصلاً تبلیغ می کند و بعد در آخر امر به جهاد می کند و شراب نیز همینطور است مثلاً در سوره نحل خداوند متعال درباره آشامیدنی ها از دیدگاه توحید بحث کرده و اول درباره آب و دوم شیر و سوم عسل و چهارم درباره آب میوه ها بحث کرده و سپس درباره آب میوه ها فرموده: « تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا » ، این یعنی اینکه شراب در مقابل رزق حسن می باشد ، سپس خداوند متعال یک قدم جلوتر می رود و می فرماید خمر و میسر: « إِيْتَاهَا أَكْبَرَ مِنْ نَفْعِهَا » و بالاخره خداوند متعال در آیه ۹۰ و ۹۱ از سوره مائده با شدت می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ

الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون(۹۰) إنما یرید الشیطان أن یوقع بینکم العداوة والبغضاء فی الخمر والمیسر و یرصدکم عن ذکر الله و عن الصلوة فهل أنتم منتهون(۹۱) « ، وقتی این ایه نازل شد پیغمبر(ص) به مسجد رفتند و گفتند بروید هر چه خمر و ظرف شراب دارید جمع کنید و بیاورید ، مردم رفتند و آوردند و سپس حضرت دستور دادند که همه ظرفها را وارونه کنید و به روی زمین بریزید که صاحب وسائل نیز در ص ۲۲۳ از جلد ۱۷ و سائل ۲۰ جلدی در باب اول از ابواب اشربه محرمة روایات زیادی درباره شراب ذکر کرده و این روایت را که خبر ۵ از این باب ۱ است نیز نقل کرده ، خبر این است : « عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ آيَةٌ أَمَّا الْخَمْرُ فَكُلُّ مُسْكِرٍ مِنَ الشَّرَابِ إِذَا أُخْمِرَ فَهُوَ خَمْرٌ وَ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ وَ قَلِيلُهُ فَحَرَامٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ شَرِبَ قَبْلَ أَنْ تُحْرَمَ الْخَمْرُ فَسَكِرَ إِلَى أَنْ قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَحْرِيمَهَا بَعْدَ ذَلِكَ وَ إِنَّمَا كَانَتْ الْخَمْرُ يَوْمَ حُرْمَتِهَا بِالْمَدِينَةِ - فَضِيخَ الْبُسْرِ وَ التَّمْرِ فَلَمَّا نَزَلَ تَحْرِيمُهَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَعَدَ فِي الْمَسْجِدِ ثُمَّ دَعَا بِأَنْبِيَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا يَنْبِذُونَ فِيهَا فَأَكْفَاهَا كُلَّهَا وَ قَالَ هَذِهِ كُلُّهَا خَمْرٌ حَرَّمَ اللَّهُ فَكَانَ أَكْثَرُ شَيْءٍ أَكْفَى فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ الْفَضِيخَ وَ لَمْ أَعْلَمْ أَكْفَى يَوْمَئِذٍ مِنْ خَمْرِ الْعَنْبِ شَيْءٌ إِلَّا إِنَاءً

وَاحِدٌ كَانَ فِيهِ زَبِيبٌ وَ تَمْرٌ جَمِيعًا فَأَمَّا عَصِيرُ الْعَنْبِ فَلَمْ يَكُنْ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ بِالْمَدِينَةِ شَيْءٌ وَ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ قَلِيلَهَا وَ كَثِيرَهَا وَ بَيْعَهَا وَ شِرَاءَهَا وَ الْإِنْتِفَاعَ بِهَا قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَاجْلِدُوهُ فَإِنْ عَادَ فَاجْلِدُوهُ (فَإِنْ عَادَ) الرَّابِعَةَ فَاقْتُلُوهُ وَ قَالَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَسْقَى مَنْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ مِمَّا يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الْمُؤَمِّسَاتِ وَ الْمُؤَمِّسَاتِ الزَّوَانِي يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِهِنَّ صَدِيدٌ وَ الصَّدِيدُ قَيْحٌ وَ دَمٌ غَلِيظٌ مُخْتَلِطٌ يُؤْذِي أَهْلَ النَّارِ حَرَّهُ وَ نَتْنَهُ قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فَإِنْ عَادَ فَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً مِنْ يَوْمٍ شَرِبَهَا فَإِنْ مَاتَ فِي تِلْكَ الْأَرْبَعِينَ لَيْلَةً مِنْ غَيْرِ تَوْبَةٍ سَقَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ طِينَةِ خَبَالِ الْحَدِيثِ .

این خبر سناً ضعیف است زیرا ابی الجارود که اسمش زیادین منذر است کان کذاباً و همان کسی است که مذهب جارودیه که یکی از طایفه های زیدیه است را تأسیس کرده ، بنابراین با توجه به بحثهایی که تا به حال انجام شده شکی در این نیست که اگر شراب برای شرب خمر نگهداری شود مالیت و ملکیت ندارد و حتی اولویت هم ندارد لذا اگر فسادی در جامعه ایجاد نشود از بین بردن آن واجب می باشد .

خوب و اما حضرت امام (ره) در اینجا یک بحثی را مطرح کرده که دیگران متعرض به آن نشده اند ، ایشان

و اگر شک هم بکنیم استصحاب جاری می شود ، هم استصحاب موضوعی و هم استصحاب حکمی جاری می شود ، استصحاب موضوعی به این صورت است که می گوئیم شرابی که برای سرکه شدن نگه داشته می شود وقتی که هنوز خل نشده بود حق اولویت نسبت به صاحبش داشت و حالا نیز همان حق اولویت را استصحاب می کنیم و از طرفی می گوید اگر دست من کوتاه بشود ردش واجب است و الان نیز استصحاب حکمی می گوید هذا کان واجباً ردّها ، این کلام حضرت امام(ره) بود که به عرضتان رسید مطالعه کنید تا بقیه بحث را فردا ادامه بدهیم إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین وصلی علی

محمد آله الطاهیرین

فرموده باید ببینیم مراد شارع از اینکه فرموده خمر حرام و سحت است چیست ؟

(بنده از بحار یادداشت کرده ام که در موارد بسیاری در روایات ما کلمه « سحت » بکار رفته مثلاً در مورد ؛ قمار ، ربا ، رشوه ، أجور القضاة ، ثمن کلب إلا کلب الصيد ، ثمن میتة ، اکل مال یتیم ، ثمن جاریة مغنیة ، ثمن عذرة و از جمله چیزهایی که شارع گفته سحت است خمر می باشد)

آیا مراد شارع این است که ملکیتی که عقلاء اعتبار کرده بودند را ندارد ، که خوب شارع نمی تواند چنین چیزی بگوید زیرا این یک امر عقلائی و اعتباری و جعلی هست ، خلاصه امام(ره) چند وجه را ذکر می کند اما به نظر بنده مراد این است که پیش من ملکیت ندارد وبعلاوه سحت هم می باشد و طبعاً وقتی سحت شد ملکیت و مالیت ندارد و همچنین حق اولویت هم ندارد و وقتی اینطور شد اگر کسی قدرت داشته باشد از باب نهی از منکر از بین بردن آن واجب می باشد ، اما اگر کسی شراب را نگه دارد برای تخلیل و سرکه شدن در این صورت احترام دارد و مالیت دارد و امام(ره) و آیت الله خوئی می فرمایند سیره عقلاء بر این است که نگه داشتن شراب برای سرکه شدن مالیت دارد و صاحبش نسبت به آن اولویت دارد لذا اگر کسی آن را غصب کند باید به صاحبش برگرداند و اگر از بین ببرد ضامن قیمتش می باشد .

امام(ره) اولاً به : « الناس مسلطون علی اموالهم » تمسک کرده و فرموده شامل این مورد (نگه داشتن خمر برای سرکه شدن) می شود زیرا در این حال مالیت دارد